

رویکردی به احیای ارزشهای گذشته در شهرسازی معاصر

دکتر اسماعیل علی اکبری *

جوهره اصلی و ثابت بسیاری از این قانونمندیها، به عنوان اصولی ماندگار، قابلیت انطباق پذیری با نیازها و الزامات کنونی را دارد و می تواند در رفع برخی از بحرانهای شهرسازی معاصر به کار آید. نگرشی فنی و فلسفی که با اصول نظریه پست مدرنیسم عجین شده است.

کلیدواژه: شهرسازی ایران باستان، تفکرات برنامه ریزی شهری، سازمان یابی فضا، شهرسازی سنتی، شهرسازی معاصر.

مقدمه

با وجودی که پیشینه شهرسازی و برنامه ریزی شهری در ایران ریشه در تاریخ شهرنشینی این سرزمین دارد و به چند هزار سال پیش از میلاد برمی گردد، کماکان این باور وجود دارد که تفکر شهرسازی و برنامه ریزی شهری در ایران تفکری وارداتی است. چند علت زیر

چکیده: در این مقاله، بر اساس یک تحلیل تاریخی، تفکرات و قانونمندیهای حاکم بر برنامه ریزی شهری و تعیین فضایی-کالبدی آن در شهرسازی ایران دوره باستان-از ماد تا ساسانی- بررسی شده است. در این راستا، ابتدا اصولی که بر شکل گیری کالبدی شهر مقدم و، در عین حال، به شدت بر آن اثرگذار بوده اند شناسایی و تجزیه و تحلیل شده اند؛ سپس فرم یا سازمان فضایی شهر، به عنوان محصول کالبدی و تجلیگاه مادی آن اصول و مفاهیم، در پویای تاریخی خود مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب، این مقاله موضوع را در دو لایه - از سطح به عمق و از عمق به سطح - بررسی می نماید؛ چرا که در مقوله معماری و شهرسازی محتوا و فرم ناظر و متناظر برهم هستند و در هم پیوندی متقابل با هم عمل می کنند. نتایج این مقاله، برخلاف برخی باورهای موجود در زمینه وارداتی بودن یا برونزا بودن تفکر شهرسازی در ایران، بر این نکته تأکید دارد که ایران یکی از مهمترین کانونهای است که مبانی نظری و عملی شهرسازی در قلمرو آن شکل گرفته و بالنده شده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، سازمان مرکزی

در شهرسازی معاصر ایران مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است، برای نیل به این منظور، تلاشی بسیار گسترده‌تر در زمینه تاریخ شهرنشینی و شهرپژوهی ایران باستان مورد نیاز است - تلاشی که بتواند قانونمندیها و ظرافتهای دیگری از شهرسازی سنتی ایران را کشف و معرفی نماید؛ زیرا بخش اعظمی از میراثهای فرهنگی کشور در نظام شهرسازی و در کالبد شهرهای آن تجلی یافته است. امید است که این مهم، با کمک مطالعات باستانشناسی و پژوهشهای شهرشناسی تاریخی، تحقق یابد. بنابراین، تدوین این مقاله صرفاً تلاشی کوچک در این زمینه به شمار می‌رود.

دوره باستان و مقاطع آن

دوره باستان حدوداً از قرن نهم ق.م آغاز شده و تا قرن هفتم میلادی دوام می‌یابد. فرایند شهرنشینی و شهرسازی در این دوره، بر اساس مدارک و منابع موجود، در پنج مقطع تاریخی قابل بررسی است که با ظهور نظامهای حکومتی منطبق است. دوره ماد با شروع تمدن شهری ایران همراه است که از قرن نهم تا هفتم ق.م به طول می‌انجامد. دوره هخامنشی قرن هفتم تا چهارم ق.م را دربرمی‌گیرد و در قرن سوم ق.م جای خود را به سلوکیان می‌دهد. قرن سوم ق.م تا قرن سوم میلادی، با دوره حاکمیت اشکانیان (پارتیان) منطبق است. از آن پس، تا قرن هفتم میلادی - که، با حمله مسلمانان، دوره اسلامی در شهرسازی ایران آغاز می‌شود - ساسانیان در تاریخ باستان به قدرت می‌رسند.

تفکرات و قانونمندیهای برنامه‌ریزی شهری (اصول و مفاهیم)

نظام برنامه‌ریزی شهری دوره باستان بر ضوابط و قانونمندیهای تعریف‌شده‌ای استوار بوده است. این

را می‌توان برای این طرز تلقی از موضوع جستجو کرد:

۱. بسیاری از آثار فیزیکی شهرسازی باستانی در ایران به سبب اثرگذاری عناصر محیطی و اقلیمی و یا ناملايمات سیاسی و تاریخی از بین رفته‌اند و تنها شواهد بسیار اندکی از آنها باقی مانده است.
۲. از میان معدود آثار شهرسازی کشف شده و باقیمانده، تنها بخش بسیار اندکی، آن‌هم به طور پراکنده، بررسی و معرفی شده است.
۳. در شهرسازی معاصر شواهد چندانی از عملکرد تفکرات شهرسازی کهن و بالنده ایرانی به چشم نمی‌خورد. شهرسازی کثرت‌گرای معاصر محیط زیست شهری را به مشتی کاربریهای اراضی و سبکهای ساختمانی نامتناسب تبدیل کرده و آن را از وحدتی که در مکانهای منظم پیشینیان وجود داشت و مورد تحسین قرار می‌گرفت کاملاً تهی ساخته است (نرزی، ۱۳۷۶: ۱۹، ۲۰). مدرنیته در مفهوم خردباوری و ویرانگری باورها و عادات سنتی، همراه با پشت‌سرنهاندن شیوه‌های مالی و فکری زندگی کهن (احمدی، ۱۳۷۳: ۱۱)، معماری و شهرسازی را نیز دگرگون کرده است.

در این مقاله، سعی شده با تحلیلی علمی و متکی بر شواهد و مستندات تاریخی، روشنگریهای لازم در قانونمندیهای حاکم بر نخستین سرچشمه‌های شهرسازی سنتی ایران صورت گیرد و بر اساس آن وجود روح برنامه‌ریزی شهری و چگونگی تبلور فضایی آن در کالبد شهرهای دوره باستان - از ماد تا ساسانی - را ردیابی و اثبات نماید. با بررسی تحلیلی شهرسازی گذشته ایران می‌توان به اصولی دیرین، ولی زنده، پویا و ماندگار دست یافت که از تداوم کارایی و قابلیت انطباق در شرایط و موقعیتهای متفاوت حکایت می‌کند. در این صورت، جوهره ثابت و ماندگار اصول مذکور می‌تواند به عنوان یکی از مناسبترین راهکارها برای احیای ارزشهای گذشته

قدیمی کشور را به شدت دفاعی کرده است؛ آثار به جا مانده از استحکامات دفاعی شهرها، نظیر برج و بارو و دیوارهای مستحکم که به تدریج به تکوین شکل خاصی از کالبد شهری یعنی گونه شهری بسته منجر شده بود (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۷۷)، قلعه و خندق، دروازه‌ها، کوچه‌های تنگ و پیچ در پیچ، در و پنجره‌های کوچک، دیوارهای ضخیم و نیز به کارگیری ابزار دفاعی در طراحی مسکونی شهرها، از جمله شواهدی است که غلبه تفکر دفاعی در نظام برنامه‌ریزی و طراحی شهری این دوره را نشان می‌دهد.

پدیده غارت- دفاع، چه در مقیاس امپراطوریه‌ها به طور عام، و چه در قلمرو سرزمین ایران، به طور خاص، سرنوشت شهرنشینی و شهرسازی را رقم زده است. تأثیر این پدیده بر رونق یا رکود شهرنشینی و بر الگوی شهرسازی و شکل‌گیری کالبدی- فضایی شهر قابل تعمق و ردیابی است. پیدایش گونه شهری معروف به شهرهای مدور در دوره پارتیان یادآور اثرات تعیین‌کننده این عامل بر نظام شهرسازی و شالوده کالبدی شهرهاست (شکل ۳). از میان عوامل متعددی، نظیر مذهب، آب و آبیاری، جنگ و دفاع و بازار و تجارت، که در تحلیل منشأ پیدایش شهرها از آن استفاده می‌شود (موریس، ۱۳۶۸: ۴۱۴)، نقش عامل دفاع، هم در ایران و هم در سایر نواحی دنیا، اهمیت زیادی داشته است. عملکرد این عامل سبب پیدایش نظریه شهر به عنوان یک پایگاه دفاعی و نظامی شده (شکویی، ۱۳۷۳: ۱۴۴/۱-۱۴۵)، که یکی از مهمترین نظریه‌ها در تحلیل خاستگاه شهری و نظام شهرسازی ایران باستان به شمار می‌رود.

۲. ضابطه تأمین آب. امکان تأمین و توزیع آب یکی از مهمترین ضوابط مکان‌یابی و توسعه سکونتگاهها

ضوابط را می‌توان به این صورت برشمرد:

۱. ضابطه دفاع. حکومتها و دولتهای باستانی کشور همواره در معرض تهاجم نیروهای مخالف داخلی و خارجی قرار داشته‌اند. این نیروهای مهاجم، یا دولتها و حکومتهای رقیب و متخاصمی بوده‌اند که با مقاصد توسعه‌طلبی، موجودیت و استقلال حکومت مرکزی را تهدید کرده‌اند و یا ایلات و عشایری بوده‌اند که به دلیل الزامات و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خاص یعنی برخورداری از اموال منقول و حیوانات سریع‌السیر و حاکمیت برخی باورهای اجتماعی در میان خود، همواره دارای فرهنگی غالب، موسوم به «فرهنگ هجوم- غارت» بوده‌اند. بررسی تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران دوره باستان نشان می‌دهد که وجود این نیروها - چه بالقوه و چه بالفعل - برای دولتهای حاکم و جوامع شهری و روستایی مستقر در قلمرو آنها همواره نوعی تهدید جدی به شمار آمده و در موارد زیادی سرنوشت حکومتها را رقم زده است. در چنین شرایطی، شهرها، به عنوان کانونهای جمعیتی ثابت و پایدار و مراکز تجمع اموال و ثروتهای غیرمنقول، همواره در کانون توجه نیروهای مهاجم قرار داشته‌اند. در این میان، پایتختها - چه به عنوان محل استقرار حکومتها و نهادهای اداری- سیاسی آن و چه به عنوان محل اسکان هیئت حاکمه و سمبل قدرت‌نمایی آنان - نسبت به سایر شهرها در معرض تهاجم بیشتری قرار داشته‌اند.

وجود چنین خطراتی دفاع از شهرها و تأمین امنیت شهرنشینان را ضروری ساخته و سبب شده که عامل دفاع، به عنوان یکی از مهمترین عوامل، جایگاه برجسته‌ای در مبانی نظری و عملی شهرسازی دوره باستان داشته باشد. ضرورت دفاع، استراتژی تدافعی^۱ مشخصی بر شهرسازی باستان تحمیل کرده و به یکی از مهمترین نمادهای شهرسازی در این دوره مبدل شده بود. نیاز به دفاع بافت و ساخت شهرهای کهن و

طبیعی محیط، عامل آب نقش برجسته‌ای در شهرسازی ایران باستان داشته است. چنین توجهی به عامل آب در شهرسازی، در حقیقت، بیانگر درک درست و عمیق شهرسازان این دوره از موقعیت ایران، به عنوان یک کشور خشک و کم‌آب است که بر اساس آن توانسته‌اند به منظور پایداری زندگی شهری، راه‌های مختلف مبارزه با خشکی هوا را جستجو کنند. نظریه هیدرولیک یا تمدن آبی ویتفوجل^۲ در تبیین خاستگاه حکومت، به ویژه از نوع شرقی آن (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۶۰)، در واقع، بیانگر نقش آب و آبیاری در پیدایش حکومتها و تمدنهای شهری است. در ایران نیز خشکی عمومی هوا، که موجب کمبود آب و رواج آبیاری مصنوعی شده، عامل مهمی در سرنوشت جامعه بوده (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۶۳) و اثرات تعیین‌کننده‌ای بر پیدایش زندگی شهری و خصوصیات شهرسازی بر جای گذاشته است.

۳. تفکیکها و تخصیصهای سستی. نظام برنامه‌ریزی شهری، به منظور ایجاد توازن و نظم در فضای شهر، به اشکال مختلفی در شالوده اجتماعی، اقتصادی، کالبدی شهرها دخل و تصرف می‌نماید؛ گاه چنین هدفی را با ایجاد تفکیک، تقسیم و تخصیص در ساختار کالبدی شهر دنبال می‌کند و گاه با تلفیق، ترکیب و همپیوندی این ساختار به آن معنا می‌بخشد. تفکیکها و تقسیم‌بندیهای سستی که در ساختار فضایی-کالبدی شهرها اعمال شده، یکی از مهمترین شواهدی است که وجود تفکر برنامه‌ریزی و قانونمندیهای آن را در شهرسازی آن دوره نشان می‌دهد. اصولاً این گونه تفکیکها، که در جغرافیای اجتماعی شهرها با مفهوم جدایی‌گزینی^۳ طبقاتی از آن یاد می‌شود و در شهرسازی نیز با مفهوم منطقه‌بندی^۴

در دوره باستان بوده است؛ ضرورت دسترسی به آب، از چند منظر مورد توجه شهرسازان قرار گرفته است: (۱) استفاده از آب به منظور شرب؛ (۲) استفاده از آب در فعالیتهای کشاورزی؛ (۳) استفاده از آب برای مقاصد دفاعی.

استقرار بسیاری از شهرهای باستانی در کنار منابع آب تصادفی نبوده و شهرسازی آگاهانه در این دوره را نشان می‌دهد. بررسی نحوه مکانیابی شهرهای کهن نشان می‌دهد که اغلب آنها در کنار رودخانه‌ها قرار دارند و یا رودخانه‌ای از میان آنها عبور کرده است. استقرار شهرهای شوش و اکباتان (پایتختهای باستانی ایران) در کنار رودخانه کرخه شاخصترین نمونه این قانونمندی به شمار می‌رود. علاوه بر روشهایی که برای استفاده از منابع آب سطحی در شهرها به کار می‌رفته، به تدریج روشهای استخراج و ذخیره منابع زیرزمینی نیز ابداع می‌شود و جایگاه خود را در شهرسازی دوره باستان مشخص می‌کند. فن حفر قنات - که در ایران و بسیاری از سرزمینهای خشک و کم‌آب اهمیت بسیار دارد و استفاده از آن را مختص شهرهای ایران می‌دانند - در زمان هخامنشیان ابداع شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۶۶). علاوه بر روشهای متداول تأمین آب از طریق شبکه‌های آبرسانی و روشهای دفع فاضلاب در چاههای جاذب، می‌توان شواهدی از احداث شبکه‌های دفع فاضلاب شهری نیز در شهرسازی دوره باستان به دست داد. شهرسازان دوره هخامنشی در پایه‌گذاری شهر تخت‌جمشید، بر اساس شناخت دقیقی که از بستر جغرافیایی این شهر و ویژگیهای زمین‌ساختی آن به دست آورده بودند، پیش از هر چیز شبکه دفع فاضلاب را در بستر مستحکم و غیرقابل نفوذ آن طراحی کردند، که یکی از شاهکارهای منحصر به فرد شهرسازی دوره باستان به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد، در میان عوامل

2. Wittfogel

3. segregation

4. zoning

در آن سکونت نموده و محله‌بندی یا محله‌های شهری اساس تقسیمات کالبدی آن را تشکیل می‌دهد است. شالوده کالبدی این بخش، که در دوره اسلامی «شارستان» نامیده شد، با مجموعه‌ای از خانه‌ها، معابد و آتشکده‌ها، بازار اصلی و استحکامات دفاعی قابل تعریف است. گاهی شارستان خود با تقسیمات فرعی دیگر، یعنی شار میانی و شار بیرونی (ریض در دوره اسلامی)، سازماندهی و انتظام‌بخشی می‌شده است، که بازتاب نظام طبقاتی و اشرافیت حاکم در کالبد شهر به شمار می‌رود.

یکی دیگر از جدایی‌گزینی‌هایی که در شهرسازی این دوره رعایت شده، جدایی‌گزینی عملکردی یا به عبارتی، تفکیک سنتی کاربریهای شهری است. شهر باستانی ایران دارای مجموعه‌ای از کاربریهای دفاعی - نظامی، حکومتی، تجاری، تولیدی (کارگاهی و کشاورزی)، مذهبی و مسکونی بوده است. عناصر کالبدی و فضاهایی که این عملکرد را در خود جای داده‌اند (یعنی دژ حکومتی، بازار، معابد، خانه‌ها، مزارع، کارگاهها و استحکامات دفاعی) به طور مشخصی از هم تفکیک شده و هریک در جایی مشخص در شهر مکانیابی شده‌اند (شکل ۱ تا ۴). در واقع مکانیابی و توزیع کاربریهای شهری، در سطح شهر، با توجه به ضابطه عملکردی آنها صورت می‌گرفته، که یکی از مهمترین اصول برنامه‌ریزی شهری به شمار می‌رود. بر اساس این ضابطه در ساماندهی کاربریهای شهری از تداخل و همجواری کاربریهای ناهمگن پرهیز می‌شده است. این امر، چه در شهرسازی و شهرک‌سازی جدید و چه در آمایش شهرهای قدیمی، هنوز هم به عنوان رویکردی اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد و جایگاه مهمی در برنامه‌ریزی شهری دارد.

آخرین نوع جدایی‌گزینی در شهرهای باستانی، جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی است که بر اساس معیارهای قومی و نژادی و یا پیشه و حرفه اعمال

در ابعاد فضایی و کالبدی شهر به کار می‌رود، در شهرسازی دوره باستان از چند جنبه زیر مورد توجه شهرسازان قرار می‌گرفته است:

الف) تفکیک و تقسیم ساختار فضایی شهر (جدایی‌گزینی فضایی)؛

ب) تفکیک کاربریهای شهری (جدایی‌گزینی عملکردی)؛

ج) تفکیک طبقات شهری (جدایی‌گزینی اجتماعی و طبقاتی).

ساخت فضایی شهر باستانی ایران، به طور کلی، از دو بخش مجزا تشکیل می‌شده است: یکی دژ حکومتی و دیگری شار یا شهر اصلی، که اساس و شالوده تقسیمات فضایی شهر را تشکیل می‌دهد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۴-۳۵). این تخصیص و تقسیم‌بندی سنتی فضا در دوره هخامنشی شکل گرفته و به تدریج در دوره ساسانی در قالبی سازمان‌یافته به تکامل رسیده است. دژ حکومتی، که بعدها مسلمانان آن را «کهندژ» یا «قهندژ» نامیدند، قلعه یا دژی مستحکم بوده که عملکرد سیاسی و حکومتی داشته و مدیریت سازمان‌یافته شهری از درون آن بر پیکره اجتماعی و اقتصادی شهر اعمال می‌شده است؛ به همین دلیل، محل سکونت فرمانروا، خانواده و نزدیکان و نیروهای محافظ و امنیتی وی بوده است. کاخ شاهی، اقامتگاه نزدیکان، انبار خزاین، دیوانها، تأسیسات نظامی و سربازخانه‌ها، معابد و آتشکده اصلی و استحکامات دفاعی مجموعه اجزا و عناصر کالبدی این بخش را تشکیل می‌دهد. به دلیل نقش کلیدی و اهمیت استراتژیکی که دژ حکومتی در حیات شهر داشته، در مکانی مرتفع در مرکز شهر استقرار می‌یافته تا در مقابل دشمنان داخلی و خارجی از قابلیت دفاع مطمئن و کارآمدی برخوردار باشد (شکل ۱ تا ۴).

شار (یا شهر اصلی)، در ریخت‌شناسی شهرهای باستانی ایران، بخشی از کالبد شهر بوده که شهروندان

حال، در فضای بازار، میان کارگاههای تولیدی و مراکز مبادله همجواری کارآمدی وجود داشته تا نقش دوگانه بازار، به عنوان مرکز تولید و مبادله، به خوبی تحقق یابد. معابد و آتشکده‌ها، که کاربری مذهبی داشته و به نیاز معنوی شهروندان پاسخ می‌داده‌اند، در مکانی مرتفع - گاهی در بیرون از بافت اصلی شهر- جای می‌گرفته‌اند تا پیوسته در معرض دید باشند و از هر طرف بتوان آنها را مشاهده کرد. موقعیت این عنصر از هر نظر، چه به عنوان عنصری کارکردی و چه به عنوان عنصری نمادین در شهر، بیانگر تأثیرات جهان‌بینی معنوی بر خصوصیات شهرسازی ایران باستان است. علاوه بر آن، استقرار دژ حکومتی، با کاربری سیاسی، در مرکز شهر در ضرورت‌های سیاسی، دفاعی و امنیتی و مدیریتی برای همجواری و پیوند فضایی آن با سایر کاربریهای شهری قابل تعریف است. چنین همپیوندیهای عملکردی و همجواریهای فضایی را می‌توان میان سایر عناصر و اجزای تشکیل‌دهنده شهر ردیابی کرد. به طور کلی، منطق حاکم بر این شیوه برنامه‌ریزی شهری را می‌توان در این نکته بیان کرد که، در شهرسازی ایران باستان، کاربریهای شهری، که همپیوندی عملکردی با هم داشته‌اند، در وحدت و همجواری فضایی با هم مکانیابی می‌شده‌اند. ویژگی بارزی که با عنوان وحدت در عین کثرت از آن یاد می‌شود و متکی بر جهان‌بینی انسانی و ماورائی خاص خود است در معماری و شهرسازی سنتی ایران متجلی شده است. به عبارت دیگر، منزلت و نحوه نگرش انسان در هندسه شهر تعیین پیدا کرده و جهان‌بینی وی در کالبد و پیکربندی آن تبلور یافته و معنا شده است.

سازمان‌یابی فضا (تعیین فضایی اصول و مفاهیم)

بررسی شالوده فضایی و ریخت‌شناسی^۵ شهرهای

می‌شده است. سکونت‌گزینی افراد در فضای شهر بر پایه خصوصیات نژادی و پایگاه شغلی آنان صورت می‌گرفته است. در قالب این جدایی‌گزینی است که در دژ حکومتی فرمانروا و اطرافیان وی سکونت می‌کنند و شار میانی محل اسکان طبقات ممتاز و جامعه اشراف وابسته به دربار می‌شود؛ ولی شار بیرونی، در ورای این طبقات و به دور از آن، اکثریت جامعه شهری و توده وابسته به سه جامعه ایلی، روستایی و شهری را در خود اسکان می‌دهد. این نوع جدایی‌گزینی، درحقیقت، بیانگر نوعی توپوگرافی اجتماعی در نظام اجتماعی جامعه شهری است که از جهان‌بینی و نحوه نگرش جامعه ناشی شده و تأثیرات خود را در شکل بخشیدن به ساختار کالبدی شهر نمایان ساخته است؛ چرا که شهر، در هر مقطعی از زمان، در واقع تجسم کالبدی است که الزامات محیطی، جهان‌بینی حاکم، شیوه زیست و تولید و نوع معیشت و فعالیت افراد را در خود منعکس می‌کند و، به این طریق، به فضا شکل، هندسه و معنا می‌بخشد.

۴. همپیوندی فضایی کارکردها. این ضابطه در همپیوندی عملکردی میان اجزا و عناصر مختلف شهر تعریف می‌شود. در شهرهای باستانی ایران، کاربریهای شهری، ضمن اینکه با جدایی‌گزینی‌های مشخصی در سطح شهر توزیع شده‌اند، مکانیابی آنها به گونه‌ای بوده که وحدت و همپیوندی عملکردی میان آنها حفظ شود. این ضابطه به ویژه در مورد کاربریهایی که در رابطه با هم عمل کرده‌اند، مشهود بوده است. بازار، که عملکرد تجاری و تولیدی داشته، در مرکز شهر و در امتداد گذرها و تقاطعها ساخته شده تا دسترسی به آن برای همه امکانپذیر باشد. عنصر بازار، همچون ستون فقرات شهر، تمامی محلات مسکونی شهر در شار بیرونی و درونی را به هم پیوند می‌دهد و از این طریق همپیوندی میان کاربری مسکونی و تجاری را برقرار می‌کند (شکل ۲، ۳، ۴). در همین

شهری (نظیر معبد) متجلی شده، سپس با احداث مجموعه‌های شهری تداوم یافته و نهایتاً با پیدایش نمونه‌های کامل شهری در فضا رخ نموده است؛ و به این طریق، در ابعاد گوناگون، از روح به کالبد تبدیل شده و تعین فضایی پیدا کرده است. آثار و ساختارهای فضایی به‌جامانده از شهرسازی برنامه‌ریزی‌شده دوره باستان را می‌توان در چند قالب زیر بررسی و معرفی کرد:

۱. بررسی بر پایه توالی سلسله‌ها، حکومتها و دولتهای باستانی؛
۲. بررسی بر پایه دوره‌های رونق و رکود شهر و شهرنشینی؛
۳. بررسی بر پایه پیدایش و تحول سبکها و شیوه‌های شهرسازی و معماری.

در این مقاله، با ترکیبی از شیوه‌های فوق، موضوع مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این روش مطالعه نه تنها به لزوم همه‌سونگری در برخورد با موضوع اشاره دارد بلکه اساساً از دو ضرورت ناشی می‌شود: الف) شکی نیست که شکل‌گیری سازمان فضایی-کالبدی شهر و فرایند تحول‌یابی آن، در هر زمان و مکان، در پیوندی عمیق با ویژگیهای شهرنشینی و مراحل تحولی آن اتفاق می‌افتد. درک این همپیوندی و رعایت آن، به خصوص در برخورد با مقوله شهرنشینی و شهرسازی در حوزه تمدنی ایران، از اهمیت به مراتب بیشتری در مقایسه با سایر حوزه‌های تمدنی برخوردار است؛

ب) شهرنشینی و شهرسازی و الگوهای فضایی ملهم از آن، در ایران، پیوند زیادی با ویژگیهای اجتماعی و سیاسی حکومتها دارد. حکومتها، به خصوص در ایران، همواره مؤثرترین نقش را در تحول شهرنشینی و شهرسازی داشته‌اند. این تأثیرگذاری نه تنها مستقیماً از طریق ایجاد شهرهای پایتختی و استقرار نهادهای اداری-سیاسی در آن بلکه به واسطه برقراری امنیت

دوره ایران باستان شواهد قابل توجهی از عملکرد ضوابط و قانونمندیهای برنامه‌ریزی شهری این دوره را نشان می‌دهد. این قانونمندیها به اشکال گوناگونی در پیکره شهرها تبلور یافته و تأثیرات خود را در سازمان‌یابی فضای شهری منعکس نموده‌اند. متأسفانه، این‌گونه آثار فضایی، چه به دلیل تأثیرات اقلیمی و چه به دلیل ناملایمات سیاسی و تاریخی، در آن سطحی برجای نمانده - یا به درستی مطالعه نشده‌اند- که امروزه با تکیه بر آن بتوان ظرافتها و جزئیات شهرسازی ایران را به دقت و در همه ابعاد آن ترسیم کرد؛ لیکن همان مقداری که باقی مانده و مطالعه شده می‌تواند در کشف و درک حقایق زیادی مؤثر افتد و نکته‌های شایانی از شهرسازی سنتی کشور را نمایان سازد.

بنابراین، تأکید بر فضا از این پس نه در معنای متعارف و متداول آن، یعنی بررسی دگرگونیهای کالبدی- فضایی و سیر تحول و تطور تاریخی کالبد شهر یا مطالعه کالبد شناسانه آن، بلکه در مفهوم درک و کشف حقایق، ضوابط و قانونمندیهای مورد بررسی قرار می‌گیرد که ناظر بر تکوین و تحول کالبدی- فضایی شهرها بوده‌اند. در واقع، چنین نگرشی به موضوع، در پیوند با مباحث پیشین، می‌تواند به معنای حرکت از سطح به عمق، از واقعیت به حقیقت، از شکل به محتوا و از عینیت به ذهنیت به شمار آید؛ چرا که، در مقوله معماری و شهرسازی، محتوا و فرم ناظر و متناظر بر هم هستند و در همپیوندی متقابل با هم قرار دارند.

بررسی متون به‌جامانده و آثار باقیمانده از شهرهای ایران باستان، با همه کاستیها و نارساییهای خود، بیانگر این واقعیت است که ضوابط و تفکرات برنامه‌ریزی شهری در ابعاد و گونه‌های متنوعی در فضا تبلور یافته و به صورت نماد فیزیکی درآمده است. این تفکرات ابتدا در ساخت تک بناها و عناصر

بین‌النهرین، در مراحل آغازین شکل‌گیری خود، با ساخت شبه شهر اکباتان (هگمتانه، هگمدانه، همدان)، پایتخت ماد، در فضا متجلی می‌شود و، با احداث شبکه‌ای از شهرها نظیر شوش، استخر، پاسارگاد و تخت‌جمشید، در دوره هخامنشی به شکلی گسترده‌تر و بالنده‌تر در فضا تعین می‌یابد. تفکر برنامه‌ریزی شهری دوره ماد، که به طور چشمگیری در ساخت هگمتانه نمایان است، تفکری دفاعی- نظامی است که اثرات خود را در مکانیابی شهر و در چهره کالبدی آن آشکار می‌سازد. پیدایش شهرهای نظامی و قلعه‌ای، که در گونه‌شناسی شهرهای ایران باستان جایگاه ویژه‌ای دارند، پیامد مستقیم این تفکر بوده است. شهر، در وهله نخست، قلعه‌ای محکم و قوی بر فراز تپه یا نقطه‌ای سوق‌الجیشی بوده و توسعه آن، به شدت، متأثر از استراتژی تدافعی و نظامی بوده است. پیوند خوردن شهرسازی دوره ماد با این استراتژی هم به دلیل تأثیرگذاری عامل غارت- دفاع، به عنوان یکی از مهمترین الزامات زمان، و هم تأثیرگذاری جهان‌بینی شهرهای اسلاف آن یعنی شهر- دولتها و شهر-تپه‌های بین‌النهرین بوده که مجموعاً بر مکانیابی، عملکرد و ساختار کالبدی شهر مادی اثرات خود را بر جای گذاشته‌اند. به همین دلیل، در شهرسازی دوره ماد، عنصری که نقش کلیدی داشته و به دقت طراحی و برنامه‌ریزی می‌شده دژ حکومتی شهر، یعنی قلعه و استحکامات دفاعی و تقسیمات داخلی آن، بوده است. سایر عناصر شهری نظیر بازار، محلات شهری، شارستان در سازمان فضایی شهر جایگاه برجسته و صورت تکامل یافته‌ای نداشته و در واقع در مراحل آغازین خود به سر می‌برده‌اند (شکل ۱).

این تفکر شهرسازی، زمانی که در حرکت تاریخی خود به دوره هخامنشی می‌رسد، متناسب با مقتضیات زمان متحول می‌شود و سازمان دیگری را در فضا به وجود می‌آورد: شهر نظامی- قلعه‌ای ماد

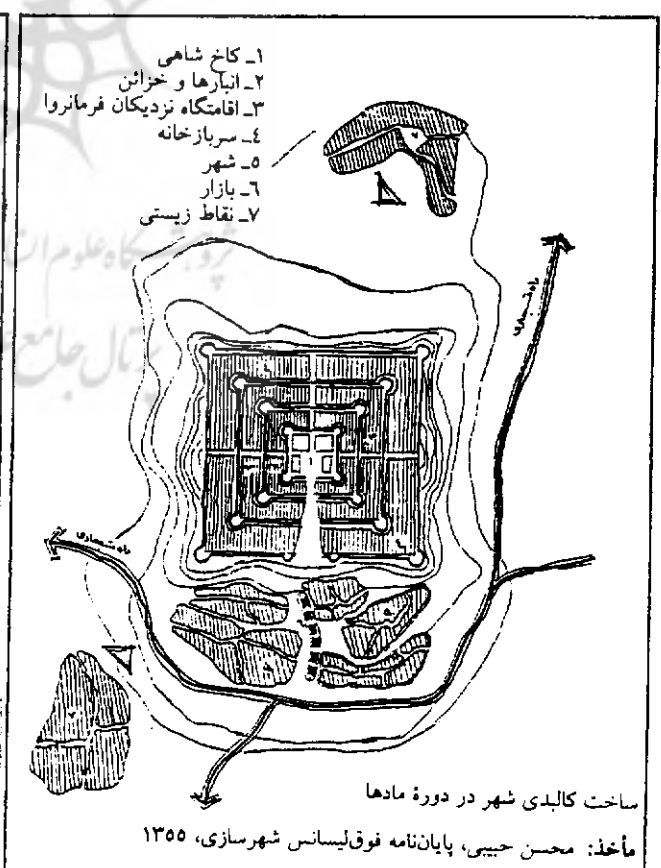
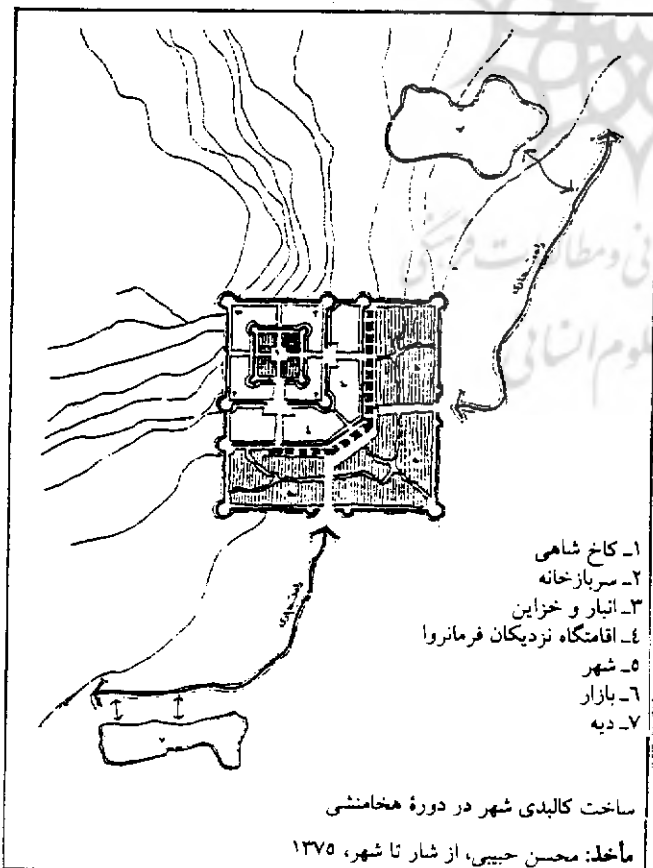
در فضای ملی و احداث راههای ارتباطی تحقق می‌یافته، که پیش‌شرط لازم برای مبادلات تجاری و از آن طریق توسعه شهرنشینی و شهرسازی در کشور به شمار می‌آمده است. به همین دلیل است که، در سرتاسر دوره باستان و حتی بعد از آن، هر زمان حکومتی مقتدر و متمرکز در کشور شکل می‌گرفته، شهرنشینی و شهرسازی هم توسعه می‌یافته و، بر عکس، در دوره‌های حاکمیت دولتهای ضعیف و ناتوان، شهرنشینی و شهرسازی هم رونق خود را از دست می‌داده است.

بر این اساس، از این پس می‌توان به این پرسش کلیدی پاسخ داد که تفکرات برنامه‌ریزی شهری با فرهنگ معنوی شهرسازی دوره باستان چگونه و در چه ابعاد و اشکالی، در فضای جغرافیایی شهر، متجلی شده و تعین مادی پیدا کرده است یا به عبارتی الگوهای فضایی- کالبدی شهرهای ایران در دوره باستان کدام‌اند. مدارک و منابع موجود در این زمینه به سه دوره و تجربه بزرگ تاریخی اشاره دارد. تبلور فضایی شهر، در هر یک از این دوره‌ها، علاوه بر تداوم تاریخی مفاهیم دوره‌های قبلی، هم شکل تکامل یافته آن و هم برخوردار از مفاهیم جدیدی است که منحصر به همان دوره است. این دوره‌ها عبارت‌اند از:

دوره اول: دوره تولد و پیدایش شهرنشینی و شهرسازی از قرن نهم ق.م تا قرن چهارم ق.م است. این مقطع شش قرن به طول انجامیده و دوره حاکمیت سلسله‌های ماد و هخامنشی را دربرمی‌گیرد. شهر و شهرنشینی و شهرسازی در این دوره، تحت تأثیر تبادلات فرهنگی و تعاملات اجتماعی با تمدنهای شهری مستقر در دشت بین‌النهرین، در سرزمین ماد پایه‌گذاری و در سرزمین هخامنشی سازماندهی شد و، به این طریق، دستمایه پیدایش تمدن شهری دیگری را فراهم آورد. تمدن شهری منشأ گرفته از

ده و خانه را تعقیب می‌کند و، علاوه بر آن، برنامه‌هایی نیز در سطح محلی به منظور ساماندهی شهری اجرا می‌شود. در قالب این برنامه‌ها، که شهر مکان اصلی آن است، علاوه بر تقسیماتی که بدنه اجتماعی شهر را طبقه‌بندی می‌کند، تقسیماتی هم در سازمان فضایی شهر اعمال می‌شود که صورت مشخصی در کالبد آن پیدا می‌کند. تقسیم و تخصیص فضایی-کالبدی شهر به سه بخش دژ حکومتی، شار میانی و شار بیرونی، که اساس تقسیمات فضایی شهر در سراسر دوره باستان است، برای اولین بار در سازمان فضایی شهر هخامنشی به وضوح نمایان می‌شود. از آن پس، عنصر بازار در کالبد شهر جایگاه مشخصی برای خود پیدا می‌کند و عملکرد آن نقش به‌سزایی در حیات اقتصادی شهر ایفا می‌کند (شکل ۲).

جای خود را به شهر نظامی-بازرگانی و بازرگانی-کشاورزی پارسی (هخامنشی) می‌دهد؛ شهرسازی از انحصار تفکر دفاعی-نظامی‌رهایی می‌یابد و، متناسب با تفکرات شهرسازی هخامنشی، فضای شهری و منطقه‌ای را ساماندهی می‌کند؛ در سایه امپراطوری متمرکز، مقتدر و پهناور هخامنشی، که امنیت را در جاده‌های ارتباطی و راههای بازرگانی و تجاری برقرار می‌کرده، شبکه‌ای از شهرها با عملکردهای متنوع تولیدی، اداری، نظامی-دفاعی و تجاری شکل می‌گیرد. ضرورت ساماندهی چنین مجموعه‌ای از شهرهاست که دولت هخامنشی را به برنامه‌ریزی فضایی در سطوح خرد و کلان وادار می‌کند. اولین مرحله این برنامه، در مقیاسی کلان، تقسیم سرزمین و قلمرو امپراطوری به کشور، طایفه،



در دولت هخامنشی تکامل یافته بود، مورد تهاجم شیوه شهرسازی یونانی قرار گرفت و وحدت و یکپارچگی خود را تا حدودی از دست داد. به همین دلیل، شکل‌گیری کالبدی- فضایی شهر دستخوش تغییر شد و نمادهای دیگری را به نمایش گذاشت. به طور کلی، محورهای برنامه‌ریزی شهری، سیاست شهرسازی و ساختارهای فضایی آن در دوره سلوکیان را می‌توان در موارد زیر مورد بررسی قرار داد:

(۱) یکی از فعالیت‌های شهرسازی سلوکیان احداث شهرها و شهرکهای نوین بود. به سبک شهرسازی یونانی و با استفاده از شبکه شطرنجی هیپوداموس^۱ بوده که غالباً به منظور تحکیم قدرت و حفاظت از قلمرو حکومتی سلوکیان احداث می‌شده‌اند. این‌گونه مراکز شهری اغلب «کُلنی»هایی نظامی بودند که بیشتر ساکنان آن را سپاهیان تشکیل می‌دادند؛ به همین دلیل، از امتیازات متعددی از جمله خودمختاری برخوردار بودند و در امتداد راههای مهم سوق‌الجیشی و بازرگانی مکانیابی می‌شدند. با اینکه ایران و بین‌النهرین، به نسبت کشورهای آسیای صغیر، هم دیرتر و هم کمتر با توسعه‌طلبی یونانیان مواجه بودند، در منابع تاریخی به احداث تعداد زیادی شهر و شهرک نوین توسط یونانیان اشاره شده است. برخی منابع احداث هفتاد شهر را به اسکندر و سلوکیان نسبت می‌دهند (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۸۰) که از آن میان به احداث ۹ شهر در سواحل خلیج فارس، از جمله انطاکیه پارس (بوشهر کنونی)، تأکید می‌شود (سلطانزاده، ۱۳۶۷: ۱۵ و ۵۶). سلوکیان شهر صدر و روزه (در نزدیکی دامغان کنونی) را ساختند که بعدها در دوره پارت پایتخت شد. این شهر برجسته‌ترین عناصر شهرسازی یونانی را در ساختار خود دارد. ساخت شهر کرهه (در نزدیکی اراک امروزی) و تعدادی شهر موسوم به اسکندریه در

وسعت آثار و نمادهای فضایی منظم و برنامه‌ریزی شده‌ای که از دوره هخامنشی برجای مانده سبب تقویت این فرضیه شده که احتمالاً توسل به طراحی و برنامه‌ریزی شهری از آن پس به‌طور سازمان‌یافته در شهرسازی کشور معمول و متداول شده است. این تفکر شهرسازی در منابع تاریخ شهری چنین توصیف شده است:

پارسیان شهرهای محل اقامت خود را از روی نقشه‌ای بنا می‌کردند که توسط موبدان تقدیس شده و ستهای اجدادی به آنها آموخته بود و از آن نقشه به هیچ وجه تجاوز نمی‌کردند. شهر مربعی بود به طول یک میدان که اسب به میل خود و به یک نفس بدود... در وسط آن آتش را به منزله حافظ حقیقی مکان می‌افروختند و در کنار آن حوض یا آبیگری، به نسبت جمعیتی که در آنجا سکنی می‌گزید، حفر می‌کردند و آب انبار می‌ساختند؛ پس از اتمام ساختمان آتشکده و آب انبار، به بنای خانه مشغول می‌شدند و سپس به ایجاد باغ و بستن می‌پرداختند (حیی، ۱۳۷۵: ۱۱).

مکانیزم تکوین، تحول و تکامل شهر و شهرنشینی در دوره مادها و هخامنشیان، که با عنوان شیوه پارسسی یا سبک پارسسی در شهرسازی معروف است، با حمله اسکندر مقدونی در قرن سوم ق.م به پایان می‌رسد و دوره میانی در شهرسازی باستان آغاز می‌شود.

دوره دوم: دوره تلفیق و ترکیب دو فرهنگ شهرنشینی و شهرسازی ایرانی و یونانی و بنیانگذاری شهرهای خودفرمان به سبک دولت- شهرهای یونانی بر پیکره ملی ایران است. این مرحله با حمله اسکندر مقدونی در قرن سوم ق.م آغاز شده و با دوره کوتاه حاکمیت سلوکیان در ایران منطبق است. در این دوره، سیاست شهرسازی مادها و هخامنشیان، یعنی سبک پارسسی در شهرسازی، که از سرزمین بین‌النهرین مایه گرفته و در سرزمین ماد بومی شده و

خودمختاری شهر شوش در ایران تصریح شده است (بیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۸). علت این امر موقعیت جغرافیایی این شهر در رابطه با حوزه نفوذ آن بوده که برای تبدیل شدن به پولیس مناسب بوده است. در دوره سلوکی، که کمتر از یک قرن به طول انجامید، شهر و شهرسازی به طور کلی به رشد خود ادامه داد ولی دوره گذار از سبکی بومی و ایرانی به شیوه‌ای ترکیبی، موسوم به پارسی-هلنی، را تجربه کرد و آثار و شواهد آن را در سازمان فضایی و شکل‌گیری کالبدی شهر در نقاط مختلفی از کشور نمایان ساخت.

دوره سوم: دوره شکوفایی شهرنشینی و شهرسازی و تعمیم و گسترش آن در سطح سرزمین است. این دوره، که از قرن سوم ق.م تا قرن هفتم میلادی به طول انجامید و مصادف با دوره فرمانروایی پارتیان (اشکانیان) و ساسانیان در ایران بود، آخرین مرحله در تاریخ شهرنشینی و شهرسازی ایران باستان به شمار می‌رود. این دوره با پیدایش سبک پارتی در شهرسازی همراه بود و با حمله مسلمانان در قرن اول هجری به پایان رسید.

شهر در این دوره به عنصری کلیدی در سازماندهی فضای ملی مبدل شد. تا آن زمان شهر و شهرسازی در مفهوم تک‌شهرهایی در فضا تجلی می‌یافت که غالباً مراکز پایتختی و نماد قدرت‌نمایی سلسله‌های حاکم بوده است؛ در حالی که شهرنشینی و شهرسازی از آن پس در مفهوم شبکه شهری در مقیاسی گسترده در فضا شکل می‌گیرد. شبکه‌ای از شهرها که عملکردهای متنوعی داشته و آن را درحوزه شهری به کار می‌گرفتند. تفکر شهرسازی و ضوابط برنامه‌ریزی شهری دوره باستان در پویش تاریخی خود، با رسیدن به این مرحله، به اوج تکامل

نواحی مختلف از جمله اقدامات شهرسازی این دوره به شمار می‌رود. این جریان شهرسازی دامنه محدودی داشته، اما دو پیامد در عرصه شهرنشینی و شهرسازی ایران به همراه داشته است:

الف) از نظر اجتماعی، به کُلنی شدن شهرنشینی در ایران منجر شد، که حاصل اسکان مهاجران یونانی در شهرهای تازه احداث بود.

ب) از نظر شهرسازی، هلنی یا هلنیستی شدن شیوه شهرسازی را به دنبال داشت. مشخصات اساسی این شیوه، اداره شهرها به صورت دولت-شهرهای خودفرمان^۷ و طراحی شبکه معابر شهر بر اساس نقشه شطرنجی هیپوداموس است.

یکی دیگر از اقدامات شهرسازی سلوکیان بازسازی بسیاری از مراکز شهری و روستا-شهرهای کهن ایران با استفاده از شیوه شهرسازی یونانی است. اسکندر و جانشینان وی (سلوکیان)، در بیشتر موارد، به مرمت و بازسازی شهرها و مراکز سکونتگاهی کهن پرداختند و آنها را متناسب با خواسته‌های خود تغییر دادند. در این راستا، نواحی حاصلخیزی نظیر کرمانشاه، بروجرد و همدان مورد توجه آنان قرار گرفت و در شهرها و مراکزی مانند کنگاور، نهاوند و دینور تغییراتی ایجاد شد و تأسیسات یونانی بر پا گردید؛ هگمتانه مجدداً بازسازی شد (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۷۶) و شهرهای شوش و فسا نیز دستخوش تغییراتی شدند. یکی از مهمترین عناصری که در این‌گونه شهرها، به تبعیت از شهرسازی یونانی، برپا شده عنصر میدان به عنوان یک فضای اجتماعی و عمومی بوده که به عناصر سازمان کالبدی شهرها افزوده شده است. از آنجا که در این‌گونه شهرها ساکنان یونانی و مقدونی قابل توجه نبودند، غالباً به صورت پولیس (دولت-شهرهای خودفرمان) اداره نمی‌شدند و از حقوق و مزایای آن برخوردار نبودند. در این میان، در منابع و مآخذ تاریخی تنها بر

دوره، احداث شهر توسط پادشاهان، به ویژه نخستین پادشاهان ساسانی، به صورت یک سنت درآمد. وجود تعداد زیادی شهر، که در نامگذاری آنها از اسامی اردشیر، شاپور و قباد استفاده شده (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷: ۲۲۳-۲۲۸)، گسترش این جریان شهرسازی را به خوبی نشان می‌دهد. دامنه فعالیت شهرسازی ساسانی در حدی بوده که امروزه این باور را به وجود آورده که بیشتر شهرهای دوره باستان یا در زمان ساسانیان به وجود آمدند و یا شهرهایی کهن از دوره‌های گذشته بودند که در این دوره گسترش و رونق یافتند (اشرف، ۱۳۵۳: ۳۲). در فهرستی که از پایتختهای ایالتی در زمان ساسانیان در دست است، از بنای ۱۰۴ شهر نام برده شده است (همان: ۸). احداث شهرهای بندری در دوره باستان را نیز بایستی به ساسانیان منسوب داشت. آنان تعدادی شهر با عملکرد بندری، از جمله ریشهر و سیراف در سواحل شمالی خلیج فارس، را به منظور توسعه تجارت دریایی احداث کردند. عامل اصلی توسعه شهر و شهرسازی در دوره ساسانی پیوند خوردن اقتصاد ملی با اقتصاد شهری است. شهرها کانون اصلی مبادلات تجاری بوده‌اند و به همین دلیل دستگاه حکومت وابستگی زیادی به اقتصاد شهری داشته است.

در آخرین دوره از تاریخ شهرنشینی و شهرسازی باستان (پارتی و ساسانی)، ضوابط شهرسازی و قانونمندیهای برنامه‌ریزی شهری در محورهای مختلفی، به منظور ساماندهی فضای شهری، به خدمت گرفته می‌شود و به اوج تکامل خود دست می‌یابد. ساختار فضایی کالبدی شهر به منزله تجلی‌گاه این ضوابط، با مشخصه‌های زیر، قابل تعریف و توصیف است:

۱) فضای شهری در کلیت خود با جدایی‌گزینیهایی مشخصی از هم تفکیک می‌شود. حاصل این جدایی‌گزینی، تخصیص و تقسیم سستی بدنه کالبدی شهر به سه بخش دژ حکومتی، شار میانی و شار بیرونی است. زیربنای این تخصیص سستی فضا را بایستی در

دست می‌یابد و هویت واقعی شهر باستانی ایران را، آن‌گونه که امروزه می‌شناسیم، تعریف و تثبیت می‌کند. پارتیان که در تقسیم‌بندی مملکت برای اداره آن بیشتر به شهرها توجه داشتند و اصولاً نوعی خودمختاری داخلی به ایالات و شهرها می‌دادند (نهجیری، ۱۳۷۶: ۲۶۰)، در مرکز اصلی حکومت خود، یعنی گرگان (هیرکانیا)، تعداد زیادی شهر از جمله آساک، دارا، تمبرکس، سیرنیکس و زادراکرتا را با استفاده از اصول شهرسازی متداول خود بنا کردند، که تحقیقات باستان‌شناسی برای پیدا کردن آنها تاکنون به نتیجه قابل قبولی نرسیده است (کیانی، ۱۳۶۵: ۱۰۵). ساخت شهرهای فیروزآباد (گوریاجور) و داربگرد یا داربجرد در فارس، شهر شیز یا تخت سلیمان در آذربایجان و شهرهایی نظیر تیسفون، هترا، پالمیر و شهر آشور در خارج از قلمرو کنونی ایران از جمله اقدامات شهرسازی است که مطالعات بیشتری در آنها صورت گرفته است. پارتیان بنیانگذار گونه‌ای از شهرها هستند که در ریخت‌شناسی شهری به شهرهای گرد یا دایره‌وار موسوم‌اند. این مراکز غالباً دژ-شهرهایی با طرح دایره‌ای بودند که طراحی و ساخت آنها به شدت متأثر از ضابطه دفاعی بوده است. این امر عدم امنیت دائمی ایران عهد پارتی را آشکار می‌سازد (شکل ۳). برخی منابع تاریخی این فرم شهری را اقتباسی از اصول شهرسازی قدیم آسیای غربی و یا برگرفته از طرح اردوگاههای نظامی آشور می‌دانند (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۲۴). تکامل هنر قلعه‌سازی و احداث استحکامات دفاعی در معماری و شهرسازی دوره پارتی در پیوند با این شیوه شهرسازی قابل تحلیل است.

در زمان ساسانی نیز شبکه‌ای گسترده از شهرهای نوینیا، موسوم به شهرهای شاهی، توسط پادشاهان به ویژه پادشاهان قدرتمندی نظیر اردشیر، شاپور و قباد با اصول شهرسازی ساسانی احداث شده است. در این

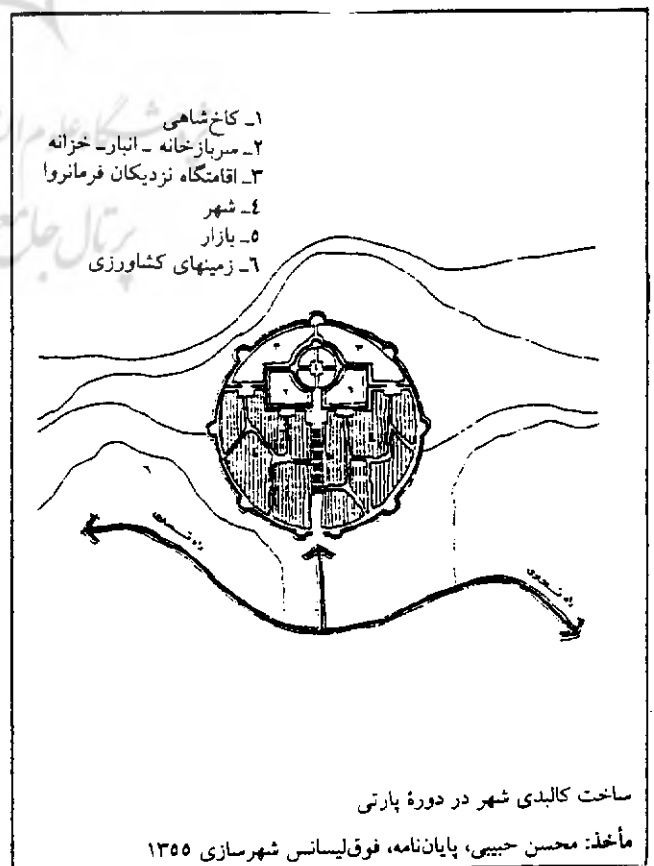
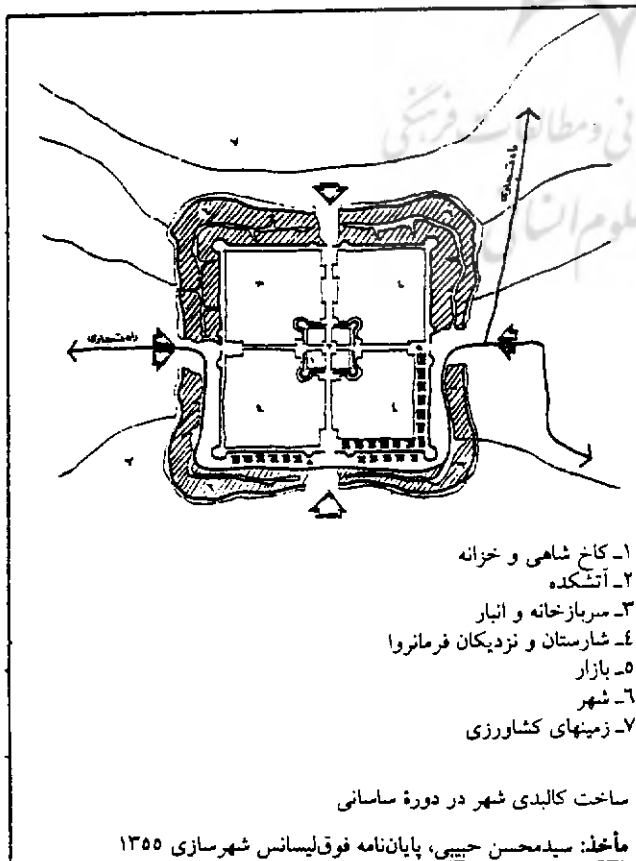
ستی، جایی است که هیئت حاکمه در آن سکونت می‌کند، لذا عملکرد سیاسی و حکومتی دارد و با مدیریت قاهر خود سازمان شهری را کنترل، هدایت و رهبری می‌کند.

ب) در این دوره، شیوه کهن مدیریت شهری و نحوه اداره شهرها، پس از یک دوره گذار و استحاله تاریخی، در عهد سلوکیان مجدداً در مفهوم سستی و کهن خود احیا می‌شود. شیوه اداره خود فرمان به جامانده از عهد سلوکی در دوره پارتی متزلزل می‌شود و در دوره ساسانی تقریباً از میان می‌رود. از آن پس، شهر توسط دولت متمرکز و مقتدر مدیریت و اداره می‌شود. دژ حکومتی، در حقیقت، نماد فیزیکی و تبلور کالبدی حضور چنین دولتی در شهر است، که میزان تبلور فضایی- کالبدی آن با درجه اقتدار دولت پیوند نزدیکی را نشان می‌دهد. این پیوستگی را می‌توان در حضور کمرنگ‌تر دژ حکومتی در دولت کم و بیش مقتدر پارتی (اشکانی) و، در مقابل، حضور پررنگ آن در دولت قاهر و مدیریت متمرکز ساسانی مشاهده کرد (شکل ۳ و ۴).

جدایی‌گزینی طبقاتی شدید و انعطاف‌ناپذیری جستجو کرد که مراتب ساختار اجتماعی جامعه شهری را از هم تفکیک می‌کند. در این دوره مفاهیم طبقاتی کهن دوره هخامنشی مجدداً احیا می‌شود؛ ولی این بار در امتداد هرم سلسله آن، لایه‌بندی و توپوگرافی اجتماعی شدیدتری بروز می‌کند. رأس این هرم در دوره پارتی را اشرافیت دودمانی اشغال می‌کند. اما در عصر ساسانی، که عناصر شهری برای اولین و آخرین بار در تاریخ باستان حکومت را به دست می‌گیرند، شهر مکان استقرار طبقات ممتاز اجتماع می‌شود و رأس هرم اجتماعی آن را موبدان و مغان به خود اختصاص می‌دهند و طبقه‌دبیران و پزشکان در آن شکل می‌گیرد.

۲) در میان فضاها سه‌گانه شهر، چه در شهر پارتی و چه در شهر ساسانی، دژ حکومتی برجسته‌ترین فضای شهری به شمار می‌رود (شکل ۳ و ۴). دو علت را می‌توان برای اهمیت فضایی این بخش در ساختار کالبدی شهر جستجو کرد:

الف) دژ حکومتی در شهر باستانی ایران، به طور



حتی تا قرن‌ها پس از اسلام هم، اداره و مدیریت تأسیسات آبرسانی شهرها بر عهده زرتشتیان بود؛ چنان که سمرقند دارای شبکه توزیع آب کارآمدی، متشکل از لوله‌های فلزی، بوده که آن را از ابتکارات ارزنده ساسانیان می‌دانند (تقوی‌نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۱۸۴).

شیوه شهرسازی متداول در زمان پارتیان و ساسانیان به شیوه یا سبک پارتی در شهرسازی دوره باستان ایران معروف است. به نظر می‌رسد که، در این شیوه شهرسازی، آگاهانه ساختن و با طرح و نقشه قبلی بنا کردن، یعنی شهرسازی برنامه‌ریزی شده، از جایگاه برجسته‌ای در مجموعه فعالیت‌های شهری برخوردار بوده است. شباهتهایی که میان طرح و نقشه شهرهای ساسانی وجود دارد این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی این نقشه‌ها را به شکل مستطیل توصیف می‌کند که تقاطع محورهای اصلی در شبکه‌بندی داخلی آن، شکل صلیب را مجسم کرده است (هوف، ۱۳۶۵: ۱۸۷؛ مشهدی‌زاده دهقانی، ۱۳۶۸: ۲۱۷).

نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نظام شهرسازی سنتی ایران بر مجموعه‌ای از ضوابط و قانونمندی‌های کهن، ولی نانوشته و غیرمکتوب، استوار بوده است. این قانونمندیها تلفیقی از خصوصیات اقتصادی، ویژگی‌های محیطی و جهان‌بینی یا منظری از هستی بوده که پیش روی انسان قرار داشته است و، بر اساس آنها، در شهرسازی به عواملی همچون عامل آب، عامل دفاع، وحدت عملکردی کارکردها و انواع جدایی‌گزینی‌های فضایی، کارکردی و طبقاتی توجه شده است. آثاری که از سازمان فضایی-کالبدی شهر ایرانی از ماد تا ساسانی بر جای مانده، با همه نارساییها و محدودیتهای خود، عملکرد تفکرات یادشده و تبدیل آنها از روح به کالبد را به خوبی نشان می‌دهد.

۳) یکی از مهمترین نمادهای فضایی شهر پارتی و شهرساسانی در چگونگی شکل‌گیری و مکانیابی کاربریهای شهری قابل بررسی است. کاخ شاهی، تأسیسات دفاعی، محله‌های شهری، بازار و آتشکده یا معبد، مجموعه عناصر عملکردی شهر را تشکیل می‌دهد. در مکانیابی این عناصر، ترکیبی از جدایی‌گزینیها و همجواریهای فضایی به شرح زیر قابل تشخیص است (شکل ۳ و ۴):

الف) همجواری فضایی میان کاربری سیاسی-حکومتی (کاخ شاهی) و کاربری مذهبی (معبد) که در یگانگی و پیوند میان دین و دولت در شهر قابل تعریف است.

ب) جدایی‌گزینی میان کاربری سیاسی-حکومتی و کاربری مسکونی که بیانگر جدایی و شکاف میان دولت و مردم است. شهر دوره ساسانی، به دلیل نظام طبقاتی شدید خود، بیشترین شکاف در این زمینه را نشان می‌دهد.

ج) لزوم همپیوندی میان کاربری تجاری-تولیدی و کاربری مسکونی، در همجواری فضایی میان عنصر بازار و محله‌های مسکونی، تجلی می‌یابد.

د) کاربری دفاعی و مجموعه استحکامات مربوط به آن در شرایطی مطلوب با سایر کاربریهای شهری پیوندخورده است. بهترین نمونه این‌گونه همپیوندی و همجواری را می‌توان در دژ حکومتی، میان کاخ شاهی و تأسیسات دفاعی، مشاهده کرد. (شکل ۳ و ۴)

۴) در سازمان فضایی شهر، احداث تأسیسات زیربنایی نظیر پلها و معابر شهری، کانالهای آبرسانی، شبکه‌های دفع فاضلاب و سدسازی مورد توجه قرار می‌گیرد. بارزترین نمونه آن، که به دقت مورد مطالعه و کاوش قرار گرفته، تأسیسات آبرسانی و توزیع آب در محلات شهری نیشابور و معابر شهری بسیار پیشرفته نیشابور و یسناپور در دوره ساسانی است. برخی منابع تاریخی بر این نکته تأکید می‌کنند که،

بجاست که از این تعبیر اندیشمندانه دکتر هادی ندیمی استفاده کنیم که «اکنون زمان آن است که از چاه خویش آب بکشیم» (پرتوی، ۱۳۷۹: ۱۶۲).

به نظر می‌رسد، بسیاری از بحرانهای شهری معاصر را می‌توان، با احیای مجدد اصول و مفاهیم کهن شهرسازی و بازگشت به خویشتن خویش، مورد بازنگری قرار داد؛ چرا که تفکرات کهن حاکم بر شهرسازی سنتی ایران، در تداوم تاریخی خود تا دوره معاصر، دارای درونمایه‌ای است که جوهره ثابت و اصلی آن به عنوان اصولی ماندگار قابلیت انطباق با نیازها و الزامات کنونی را دارد و می‌تواند، در موقعیتهای متفاوت، خود را با شرایط زمان سازگار نماید. برخی از بحرانهای شهری که، از این منظر، می‌توان بر ضرورت بازنگری در آن تأکید کرد عبارت‌اند از مکانیابی نامناسب و عدم کارایی در عملکرد کاربریهای شهری، پیچیدگی و عدم کارایی در روابط فضایی شهر، آسیبهای اجتماعی برخاسته از سکونت‌گزینیهای ناهمگن، مسائل ناشی از تنوع قومی و عدم تجانسهای فرهنگی در جامعه شهری، احساس عدم تعلق به فضای شهری در میان جامعه شهرنشین (تضعیف مفهوم شهروندی) و تغییر رویکرد شهرسازی فیزیکی یا شهرسازی کالبدگرا به سوی شهرسازی اجتماعی یا انسان محور که، بر اساس آن، نظام شهرسازی خود را با ویژگیها و نیازهای انسان شهرنشین، در تنوع مکانی و زمانی آن، منطبق می‌سازد.

آنچه به عنوان ماحصل این مقاله می‌توان بر آن تأکید کرد به قرار زیر است:

۱. ایران یکی از مهمترین خاستگاههای نظری و عملی شهرسازی است؛
۲. تفکر شهرسازی، در ایران باستان، تفکری درونزاست و شواهد آن در سازمانیابی فضایی شهرهای قدیمی قابل ردیابی است؛

ردیابی این تفکرات برنامه‌ریزی و سازمان فضایی برخاسته از آن، ضمن اینکه بر درونزا بودن تفکر شهرسازی در ایران تأکید دارد، می‌تواند دستمایه ارزشمندی برای احیای ارزشهای گذشته در شهرسازی معاصر به شمار آید. جوهره و درونمایه بسیاری از این تفکرات، به عنوان اصولی ماندگار، از قابلیت تداوم اصول سنتی ولی زنده و پویا حکایت می‌کند که می‌تواند در شرایط و موقعیتهای متفاوت مورد استفاده قرار گیرد. شکی نیست که حیات سیر تکوینی و تکاملی دارد و پویایی، بالندگی و تغییرپذیری ویژگی انکارناپذیر هستی است و شهرسازی هم از آن مستثنی نیست. لیکن نطفه این پویایی بدون شک در گذشته است - زائیده گذشته و حاصل پیام گذشته و البته دارای طلیعه‌هایی برای آینده. از جمله نکاتی که در شهرسازی ایران، حتی تا اواخر قرن گذشته، رعایت می‌شده تداوم و استمرار تاریخی اصول و مفاهیم سنتی بوده؛ علی‌رغم اینکه به جنبه‌های نوآوری و تطبیق با زمان نیز توجه شده است. ولی آنچه امروزه فرا روی شهرسازی ایران قرار گرفته، به دلیل انقطاع از گذشته تاریخی، جز تشتت، تفرق و بی‌نظمی را تداعی نمی‌کند. جریان مدرنیسم و نوگرایی جامعه، بیش از همه، تحول جامعه شهری، آن هم در ابعاد کالبدی شهر، را هدف قرار داده و مفاهیم کهن شهرسازی را به شدت دگرگون کرده است. وحدت و انسجام فضایی و همیوندی عملکردی در سازمان شهری بسیار کمرنگ شده و الزامات اجتماعی و فرهنگی یا مؤلفه‌های غیر کالبدی در نظام شهرسازی برنامه‌ریزی شهری کنونی کشور، به‌طورکلی، جایگاه تعریف‌شده‌ای ندارد. ولی، علی‌رغم این تحولات، بایستی در این نکته تأمل نمود که سهم و جایگاه ما در این جریان، به عنوان کشوری شرقی که الزامات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و محیطی خاص خود را دارد و شرایط گذار از جامعه بسته سنتی به جامعه مدرن را بسیار متفاوت طی کرده است، در کجاست.

۳. با بررسی تحلیلی شهرسازی سنتی ایران می‌توان به اصولی ماندگار و پویا دست یافت، که از تداوم کاربرد در شهرسازی حکایت می‌کند؛
۴. جوهره و درونمایه بسیاری از این اصول و مفاهیم قابلیت انطباق‌پذیری با نیازهای شهرسازی معاصر را دارد.
۵. احیای اصول مذکور در شهرسازی معاصر می‌تواند به عنوان یکی از مناسبترین راهکارها برای رفع برخی بحرانهای شهرسازی معاصر و تعادل‌بخشی و انتظام‌بخشی در شهر به شمار آید.
۶. دستیابی به این مهم مستلزم پژوهشی وسیع برای شناخت اصول واجد شرایط و راهکارهای اجرایی آن در شهرسازی کنونی است.

منابع

- احمدی، پایک (۱۳۷۳)، *مدرنیته و اندیشه اقتصادی*، چاپ اول، نشر مرکز، تهران؛
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴؛
- پرتوی، پروین (۱۳۷۹)، «تداوم تاریخی در معماری و شهرسازی ایران»، *مجموعه مقالات مطالعات ایرانی*، شماره ۴، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران؛
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۶۷)، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه عنایت‌الله رضا، علمی و فرهنگی، تهران؛
- ترنر، تام (۱۳۷۶)، *شهر همچون چشم‌انداز*، ترجمه فرشاد نوریان، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران؛
- نقوی‌نژاد دیلمی، محمدرضا (۱۳۶۶)، *معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*، یساولی، تهران؛

- حیبی، سیدمحسن (۱۳۷۵)، *از اشار تا شهر*، دانشگاه تهران، تهران؛
- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۶۹)، *مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، جغرافیا، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران؛*
- سلطانزاده، حسین (۱۳۶۷)، *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، امیرکبیر، تهران؛
- شکویی، حسین (۱۳۷۳)، *دیدگاههای نو در جغرافیای شهری*، سمت، تهران؛
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۵)، *شهرهای اشکانی: نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، هواپیمایی هما، تهران، ص ۱۰۵-۱۷۶؛
- گیرشمن، ر. (۱۳۷۲)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چاپ دهم، علمی و فرهنگی، تهران؛
- مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۷۶)، *برنامه‌ریزی شهری در ایران*، پیام نور، تهران؛
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸)، *آغاز شهرنشینی در ایران*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
- شهدی‌زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۶۸)، *تحلیلی از ویژگیهای برنامه‌ریزی شهری در ایران*، دانشگاه علم و صنعت، تهران؛
- موریس، جیمز (۱۳۶۸)، *تاریخ شکل شهر*، ترجمه رضیه رضازاده، دانشگاه علم و صنعت، تهران؛
- نهیجری، عبدالحسین (۱۳۷۶)، *جغرافیای تاریخی شهرها*، انتشارات مدرسه، تهران؛
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و همکار، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران؛
- هوف، دیتیش (۱۳۶۵)، «شهرهای ساسانی»، ترجمه محمدرحیم صراف، نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، هواپیمایی هما، تهران، ص ۱۷۶-۲۰۴. ■